



در باره بیانیه سازمان آزادی زن

## جنبش آزادی زن، رژیم اسلامی دشمنان آشتی ناپذیر

صفحه ۲

گفتگو با آذر ماجدی

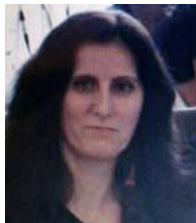
بیانیه سازمان آزادی زن

### درباره نقش و موقعیت جنبش آزادی زن در ایران

لینک گفتگوی تلویزیون آزادی زن

گفتگوی شهلا نوری با آذر ماجدی در  
مورد بیانیه سازمان آزادی زن

<https://www.youtube.com/watch?v=EaD8cFlgrnQ>



### اعتصاب غذای ۲۰۰۰ زندانی در قزل حصار کرج

صفحه ۸

چیمین دارابی

برای آشنایی بیشتر با سازمان آزادی زن  
به سایت سازمان مراجعه کنید:

[www.azadizan.net](http://www.azadizan.net)  
[www.womensliberation.net](http://www.womensliberation.net)

## تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۷.۳۰ بوقت تهران از شبکه هات برد

کانال: KMTV مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

به دوستانتان اطلاع دهید!

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



در باره بیانیه سازمان آزادی زن

## جنبش آزادی زن، رژیم اسلامی دشمنان آشتی ناپذیر

گفتگو با آنر ماجدی

**آزادی زن:** چرا سازمان آزادی زن چنین بیانیه ای را تصویب کرده است، اهمیت و جایگاه آن چیست؟

**آنر ماجدی:** مساله زن و مبارزه برای حقوق زنان یکی از مهمترین مسائل اجتماعی و سیاسی در جامعه ایران است. همه از جنبش های اجتماعی موجود در جامعه تا ناظرین سیاسی با این حکم اتفاق نظر دارند. بنابراین وجود یک جنبش گسترده حقوق زن مورد توافق همگی است، اما در مورد میزان وسعت، نقش و جایگاه جنبش آزادی زن در تحولات جاری و آتی ایران تبیین های متفاوتی موجود است. لذا سازمان آزادی زن بعنوان رادیکالترین سازمانی که امر و هدفش دستیابی به آزادی و برابری زنان است، باید تبیین خویش را از موقعیت و جایگاه جنبش آزادی زن به جامعه ارائه دهد. بویژه اینکه ما بر این نظریه که بدلائل متفاوت جنبش آزادی زن می تواند و باید نقشی تعیین کننده در تحولات سیاسی جامعه ایفاء کند.

**آزادی زن:** در بیانیه به سکولاریسم بعنوان یک پیش شرط سیاسی آزادی زن اشاره شده است، چرا سکولاریسم مهم است و آیا سکولاریسم کفایت؟

**آنر ماجدی:** پاسخ به بخش اول سوال مثبت و به بخش دوم منفی است. توضیح می دهم. در بیانیه به سکولاریسم صرفاً بعنوان یک پیش شرط سیاسی دستیابی به آزادی و برابری زن اشاره شده است، خود این فرمولبندی نشان می دهد که از نظر ما سکولاریسم به تنهایی کفایت نمی کند. بعلاوه، در پایان بیانیه ما راهکار واقعی و نهایی آزادی زن و برابری زن و مرد را صریح و روشن بیان کرده ایم. سکولاریسم بعنوان یکی از ویژگی نظام سیاسی حاکم

دارای اهمیت است.

تحلیل تئوریک، تاریخ و تجربه مشخص خود ما در جامعه ایران اهمیت سکولاریسم را برای برقراری آزادی های مدنی، بطور نمونه آزادی بیان و ابراز وجود و آزادیهای اجتماعی و سیاسی نشان می دهد. در طول تاریخ قدرتگیری نظام سرمایه داری در کشورهای اروپایی با نوعی تسویه حساب با مذهب و نهاد کلیسا و حاشیه ای کردن آن همراه بوده است. سرمایه داری به "انسان آزاد"ی نیاز داشت که بتواند نیروی کار خود را بفروش رساند و وابسته به اربابان و ملاکین نباشد. مذهب و کلیسا در مقابل این نیاز سرمایه داری و بورژوازی قرار داشته و مقاومت می کردند. رادیکالترین و عمیقترین تسویه حساب در فرانسه بوقوع پیوست. انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ یک نمونه برخورد ریشه ای به مذهب و نهاد کلیسا بود. اما تثبیت سرمایه داری بعنوان نظام حاکم نیاز به مذهب را بعنوان یکی از ارکان پایه ای ایدئولوژی، برای بورژوازی آشکار کرد. مقوله سکولاریسم یا لائیسیته از اواسط قرن بیست عملاً جایگاهی حاشیه ای یافت. در چند دهه اخیر ما شاهد قدرتگیری مذهب بعنوان یک نیروی سیاسی - اجتماعی هستیم. این واقعیت بعلاوه موقعیت خود جامعه ایران که سی و چند سال است تحت حاکمیت یک حکومت مذهبی قرار دارد، اهمیت سکولاریسم را برای ما بارز می کند.

پس از این توضیح مناسب می بینم که بندی از برنامه یک دنیای بهتر را نقل کنم؛ این بند بخوبی موازین اجتماعی و فرهنگی مدرن و پیشرویی که برای

تامین شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه آزاد و برابر ضروری است را بیان می کند و توضیح می دهد:

"موازین سیاسی و اداری جامعه باید موازینی مدرن و سکولار و پیشرو باشد. اساس این موازین پیشرو گسستن کامل حاکمیت و قدرت دولتی و نظام اداری در کشور از مذهب، اصالت قومیت و ملیت و نژاد و هر ایدئولوژی و نهادی است که نافی برابری کامل و مطلق حقوق مدنی همه شهروندان و شمول یکسان قوانین بر همه و نیز محدود کننده آزادی اندیشه، نقد و حیات علمی جامعه باشد. مذهب و ناسیونالیسم، جریانات فکری و اجتماعی فی نفسه تبعیض آمیز، خرافی و مغایر با آزادی و شکوفایی انسان هستند. مذهب، بطور مشخص، حتی بعنوان امر خصوصی افراد، سد راه رهایی و شکوفایی و اعتلای انسان است.

برقراری یک دولت و نظام سیاسی مدرن و سکولار بنابراین صرفاً گام اول در سیر رهایی همه جانبه انسان ها از چنگال خرافات و تعصبات جاهلانه مذهبی، ملی و قومی و نژادی و جنسی است." (منصور حکمت، برنامه یک دنیای بهتر، [www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com))

**آزادی زن:** چرا این بیانیه بر ستمکشی زن و مساله زن تمرکز نمی کند، ریشه و بروزات این ستمکشی را توضیح نمی دهد و مطالبات زنان را فرموله نمی کند؟ آیا این یک نقص و کمبود بیانیه نیست؟

در باره بیانیه سازمان آزادی زن

## جنبش آزادی زن، رژیم اسلامی دشمنان آشتی ناپذیر ...

جنبش عمیقاً ناسیونالیست که سرپای ایدئولوژی زن ستیز است، حالا دارد از برابری زن و مرد دم می زند. این پدیده های سیاسی جملگی تحت فشار جنبش آزادی زن شکل گرفته اند.

در انقلاب ۵۷ نیز زنان وسیعاً و فعالانه شرکت داشتند. اما در تحلیل آن مقطع مهم از تاریخ معاصر ایران ما سخنی از جنبش آزادی زن نمی توانیم بر زبان بیاوریم. وقتی به آن مقطع از تاریخ نگاه می کنید، زنان انقلابی ای را می بینید که فعالانه در جنبش انقلابی علیه رژیم سلطنت شرکت دارند، سنگر به سنگر علیه آن نظام مبارزه می کنند، اما هیچ صحبتی درباره آزادی و برابری زن و مرد در میان نیست. تا آنجا که بخش عمده زنان انقلابی، کمونیست و روشنفکر داوطلبانه برای "حفظ وحدت" عمومی علیه رژیم سلطنت حجاب بر سر کردند. اکنون شرایط کاملاً و از ریشه متفاوت است.

**آزادی زن:** در بیانیه از جنبش خلاصی فرهنگی صحبت شده است؛ جنبش خلاصی فرهنگی به چه پدیده ای اشاره دارد و کلاً منظور از آن چیست؟

**آنر ماجدی:** علاوه بر طبقات، جنبش های اجتماعی متفاوتی در جامعه وجود دارند. و این بنظر من مشکل برخی از نیروهای چپ و کمونیست است که وجود این جنبش ها، اهمیت، نقش و جایگاهشان را متوجه نیستند و درک نمی کنند. در هر شرایطی باید این جنبش های اجتماعی را شناخت و جایگاهشان را تبیین کرد. حرکت و مبارزه این جنبش ها بخشی از مبارزه طبقاتی جاری در جامعه است. متأسفانه برخی نیروهای چپ مبارزه طبقاتی را فقط در صحن کارخانه می بینند و هر تلاش و مبارزه ای خارج از آنرا به مبارزه طبقاتی بی ربط می دانند. این یک کلیشه متافیزیکی است که هیچ ربطی به مارکسیسم ندارد.

مبارزه با زن ستیزی، مذهب، ناسیونالیسم، همانقدر برای هدف نهایی طبقه کارگر دارای اهمیت است که مبارزه علیه

صفحه ۴

**آنر ماجدی:** از منظر ما این جنبش اجتماعی معین است که دارای اهمیت سیاسی و اجتماعی است. یک جنبش آزادیخواه، برابری طلب، ضد خرافات و عقب ماندگیهای اجتماعی و فرهنگی، مدرن و پیشرو. جنبش آزادی زن یک جنبش قائم بذات قوی و توده ای است که آزادی و برابری را هدف خود قرار داده است. از این لحاظ است که جایگاه جنبش آزادی زن حائز چنین اهمیتی است. در غیر اینصورت زنان همانند مردان به طبقات و جنبش های مختلف تعلق دارند.

زمانی که درباره ستمکشی زن صحبت می شود، روشن است که باید در مورد زنان صحبت کرد، زیرا این ستم بر آنها روا می شود. اما جنبش آزادی زن لزوماً یک جنبش زنانه نیست. از قضا گستردگی و عمق این جنبش بیانگر آنست که مردان بسیاری خود را به آن متعلق می دانند؛ بخش وسیعی از نسل جوان بالقوه یا بالفعل به آن متعلق است؛ این جنبش جریانات راست و ارتجاعی را تحت فشار قرار داده است و آنها را به قبول یا تظاهر به قبول برخی تمایلات اجتماعی از جمله سکولاریسم، حال بشکلی رقیق و آبکی، وادار کرده است.

جنبش ملی - اسلامی، حتی عناصر از حکومت رانده شده ای که خود نقش تعیین کننده در بقای این نظام زن ستیز داشته اند، اکنون مجبورند فقط در لفظ خود را هوادار برابری زن و مرد و سکولاریسم بخوانند. جنبش ناسیونالیسم پرو غرب که زمانی که در قدرت بود، بغیر از تغییراتی اندک که رشد سرمایه داری در ایران ایجاب می کرد، اقدام دیگری در این زمینه انجام نداده است و خود یک بخش مهم لمپنیسم فرهنگی حاکم بر جامعه بوده و هست، یک

**آنر ماجدی:** خیر. این بهیچوجه نقص و کمبود بیانیه نیست. این بیانیه ای در مورد مساله زن، ارائه تحلیل تئوریک در مورد این مساله و مقوله ستمکشی زن نیست. ما تحلیل تئوریک و تبیین مان از ستمکشی زن را در ادبیات دیگری توضیح داده ایم؛ شاید لازم باشد که یکبار دیگر تحلیل و تبیین خود از مختصات مساله زن و ریشه ستمکشی زن را در شکل بیانیه ای تنظیم کنیم و ارائه دهیم. اما این بیانیه در اینمورد نیست. بیانیه حاضر یک بیانیه سیاسی است در مورد نقش و جایگاه جنبش آزادی زن در تحولات سیاسی جاری و آتی جامعه و در بعدی گسترده تر در خاورمیانه و کشورهای اسلام زده. این یک مساله مهم سیاسی است و ما لازم دیدیم که که آنرا به رشته تحریر درآوریم و در مقابل جامعه، جنبش آزادی زن و نیروهای آزادیخواه و برابری طلب و کمونیست قرار دهیم. در پایان بشکل فشرده نظر خود را در مورد راه رهایی زن اعلام می کنیم و این یادآوری نیز با نیتی سیاسی انجام گرفته است تا اهمیت سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی را از زاویه جنبش آزادی زن بیان کنیم. صریح و روشن اعلام کنیم که آزادی و برابری واقعی، اجتماعی و بی قید و شرط زنان تحت یک نظام سرمایه داری امکانپذیر نیست و گرایش رادیکال و ماکزیمالیست جنبش حقوق زن باید با آن نیروی اجتماعی - سیاسی همراه شود که هدفش نه صرفاً سرنگونی رژیم اسلامی، بلکه واژگونی نظام سرمایه داری، لغو کار مزدی، الغای مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله و قرار دادن آن تحت مالکیت اشتراکی و اجتماعی است؛ یعنی خواهان استقرار یک جمهوری سوسیالیستی است.

**آزادی زن:** بیانیه در مورد نقش جنبش آزادی زن است و در طول متن مداوماً به نقش این جنبش اشاره شده است. علت اینکه بجای زنان به جنبش آزادی زن اشاره می شود، چیست؟

# اسلام ضد زن است!

در باره بیانیه سازمان آزادی زن

## جنبش آزادی زن، رژیم اسلامی دشمنان آشتی ناپذیر ...

آزادی زن: در بیانیه اعلام شده است: "سنت منحط عقب مانده، زن ستیز، ضد مدرنیست، شرق زده، گذشته پرست و اسلام زده حاکم بر بخش اعظم جامعه هنری و روشنفکری و چپ ضد آمریکایی که محیط اولیه اعتراض جوانان و دانشجویان را شکل می داد، نه تنها بروز خواست آزادی زن را سد می کرد، بلکه حتی عملا زنان را تسلیم جنبش اسلامی نمود. ... عملا بر زمینه چنین شرایطی بود که دولتهای غربی موفق شدند از طریق مانیپولاسیون سیاسی، خمینی و جنبش اسلامی را بر جنبش انقلابی مردم تحمیل کنند".

آیا این بمثابة هم نظری با جریانات راست ناسیونالیست پرو غرب یا برخی فمینیست های ضد کمونیست درک نخواهد شد، اینکه بیانیه سازمان آزادی زن نیز دارد چپ را به جاده صاف کن حاکمیت یک زن ستیزی خشن در جامعه متهم می کند؟

**آذر ماجدی:** خیر بهیچوجه. توضیح می دهم. اولاً این تحلیلی از پیش از قیام بهمن و بقدرت رسیدن رژیم اسلامی است؛ زمانی که در جامعه چپ بعنوان حزب توده شناخته می شد و چریکها هم بعنوان یک پدیده نوین مطرح شده بودند. حزب توده بمعنای واقعی متحد و پشتیبان اسلامیست ها بود و تا زمانیکه تمام رهبریشان به زندان انداخته شدند، شکنجه و بعضاً اعدام شدند، جامعه هیچ ذره نقدی از زبان این حزب نسبت به رژیم اسلامی نشنید. حتی پس از آنهم و هنوز نیز این حزب طرفدار یک جناح رژیم در مقابل جناح دیگر است.

ثانیاً، چپ جامعه بطور عموم یک چپ پوپولیست بود که بشدت از نظر اخلاقی و فرهنگی عقب مانده و ضد غرب بود. گروه خون این چپ با آیت الله طالقانی، علی شریعتی و جلال آل احمد نزدیکی و قرابت بیشتری داشت تا مارکس، انگلس، لنین، لوکزامبورگ، زتکین و کولونتای. این چپ با تحلیل "خورده بورژوازی انقلابی ناپیگیر" و "بورژوازی ملی" تا مدتها پس از سر کار آمدن حکومت اسلامی، مواضع سیاسی ضد و نقیض در حمایت مشروط تا

صفحه ۵

از این مساله گله و زاری می کنند. آمار سقط جنین بسیار بالا است؛ خود این یک دلیل بر رواج رابط جنسی خارج از ازدواج در جامعه است. اخیراً از پدیده ای بعنوان "ازدواجهای سفید" در تحقیقات و گزارشات صحبت شده است. این ترم به همزیستی زن و مرد زیر یک سقف بعنوان زوج بدون عقد شرعی یا مدنی اشاره دارد. این واقعیت که این مساله به موضوع تحقیقات جامعه شناسی در جامعه تحت رژیم مختنق اسلامی شده و در رسانه های رسمی کشور گزارش شده است، شاهد بسیار خوبی برای وجود رابطه میان زن و مرد خارج از ازدواج است.

به تمام این واقعیات و پدیده ها اشاره شد تا تضاد عمیق نسل جوان با یک حکومت اسلامی را مستند کنیم. این تضاد نسلی تا زمان سرنگونی رژیم اسلامی وجود خواهد داشت و تعمیق می شود. این تضاد نسلی یکی از منابع بحران ساز اجتماعی و سیاسی برای رژیم اسلامی است. این مقاومت و مبارزه نسل جوان برای خلاصی از محدودیتهای قرون وسطایی رژیم اسلامی که وسیعاً در جامعه رایج است را جنبش خلاصی فرهنگی می نامیم. جنبش آزادی زن و جنبش خلاصی فرهنگی با یکدیگر پیوند تنگاتنگ دارند و در بسیاری اهداف بر هم منطبق می شوند. باید اشاره کرد که خلاصی فرهنگی که ما از آن نام می بریم با "رهایی فرهنگی" که در قالب مارکسیستی به آن اشاره می شود، دو مقوله متفاوت است. دومی به رهایی بشر اشاره دارد، بعنوان مثال از خود بیگانگی و رهایی از قیود جامعه طبقاتی، استثمار و غیره. اما خلاصی فرهنگی را ما در رابطه با این جنبش معین در جامعه ایران استقاده میکنیم.

رفرمیسم. لذا تمام تلاشهای فکری، سیاسی، عملی در این عرصه ها بخشی از مبارزه طبقاتی طبقه کارگر است و آنرا به پیش می برد. اصلاً مهم نیست که عناصر کارگر در این مبارزات وجود داشته باشند یا خیر. آن دید کلیشه ای از مارکسیسم و کمونیسم، در برخورد به مساله زن و جنبش حقوق زن از همین زاویه وارد می شود. جنبش حقوق زن را به دو جنبش بورژوازی و کارگری یا پرولتری تقسیم می کند؛ جنبش پرولتری را آن جنبشی می نامد که زنان کارگر در آن فعال هستند و برای حقوق زنان کارگر در کارخانه مبارزه می کنند؛ و آنچه او جنبش بورژوازی زنان می خواند را تکفیر می کند. ما با چنین دیدگاه و بینشی تفاوت ۱۸۰ درجه ای داریم. بنظر ما جنبش آزادی زن یک جنبش قائم بذات است که به امر آزادی زن و برابری زن و مرد معطوف است و هر قدم پیشروی آن مبارزه طبقه کارگر را بجلو می برد.

پس از این مقدمه به جنبش خلاصی فرهنگی بپردازیم. جنبش خلاصی فرهنگی به تلاش و مقاومت جامعه، بخصوص نسل جوان علیه محدودیتهای فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی رژیم اسلامی اشاره دارد. ما به وجود یک تضاد نسلی عمیق در جامعه میان مردم و رژیم اسلامی قائل هستیم. یکی از بحرانهای حل نشدنی رژیم اسلامی بغیر از مساله زن، همین تضاد نسلی است. نسل جوان ایران تمایلات مدرن و غربی دارد؛ می خواهد مثل جوان غربی در اروپا و آمریکا زندگی کند همانطور لباس بپوشد و به همان موزیک گوش دهد. نسل جوان خواهان آزادی جنسی و بریده شدن دست مذهب از زندگی خصوصیش است. بهمین دلیل است که این رژیم ارتجاعی سی و چند سال است می کوشد آپارتاید جنسی را در جامعه حاکم کند و هر بار با تمام قوا وارد صحنه می شود، اما نمی تواند پیروز شود. رابطه جنسی آزاد و خارج از ازدواج، حداقل در شهرهای بزرگ بسیار رایج است. مقامات رژیم مدام

**تبعیض بر اساس جنسیت یک منشا سود سرمایه است!**

بهبود در موقعیت زنان می‌کوشیم. هر سانتیمتر بهبود بنظر ما بفع زنان، جامعه و اهداف نهایی ماست. اما این مبارزه برای اصلاحات ما را در خود غرق نمی‌کند. ما افق خود را گم نمی‌کنیم. آگاهیم و اعتقاد داریم که زنان نمی‌توانند در جامعه سرمایه داری به آزادی و برابری واقعی دست یابند. جوامع غربی، بویژه اسکانندیناوی بعنوان پیشرو ترین در عرصه حقوق و موقعیت زن، را پیش رو داریم. حتی اگر تئوری را بکناری بگذاریم، بشکلی تجربی و یا مشاهده صرف نیز می‌توانیم ببینیم که پس از نزدیک به دو قرن مبارزه برای آزادی زن، پس از تجربه چندین جنبش اجتماعی قوی برای آزادی زن، از جمله جنبش مبارزه برای حقوق مدنی و سافرجیت در قرن نوزده، انقلاب اکتبر در اوایل قرن بیست و جنبش آزادی زن در دهه شصت و هفتاد میلادی، چگونه هنوز زنان از آزادی و برابری واقعی دور هستند، چگونه هر دستاوردی را با فرونشستن جنبش اجتماعی مربوطه باز پس می‌گیرند و چگونه باید هر روز از نو آغاز کرد. ما اعتقاد راسخ داریم که آزادی و برابری واقعی و بدون قید و شرط زنان در یک جامعه سوسیالیستی امکانپذیر است و از اینرو می‌کوشیم که جنبش آزادی زن را بسوی مبارزه برای یک سرنگونی انقلابی سوق دهیم.

در پایان کلیه دوستداران و فعالین سازمان آزادی زن، تمام کسانی که در اهداف ما شریکند، تمام زنانی که خواهان دستیابی به آزادی و برابری هستند را فرا می‌خوانم که این بیانیه را وسیعاً توزیع کنند و با سازمان آزادی زن برای تحقق آن همراه شوند.\*

علم کرده بود و جنبش حقوق مدنی در آمریکا کل جهان را تحت تاثیر قرار داده بود و خیزش جوانان و چپ جامعه در فرانسه مه 68 را آفرید، در ایران "منورالفکر" هایی از جمله آل احمد این ترم را همانند "وبا" بجان جامعه و روشنفکران و جریان چپ جامعه انداخت؛ یک گرایش عقب مانده، ضد مدرنیسم و ضد غربی که سرکرده فکری آن فرانکس فانون، یکی از ناسیونالیست های آفریقایی بود. در آن مقطع مخالفین رژیم سلطنت بشدت مجذوب آل احمد بودند. خود من بعنوان یک کودک و سپس یک نوجوان بشدت آل احمد را دوست داشتم و به او احترام می‌گذاشتم. در سالهای ۵۰ بود که دوباره نگاهی به آثار او انداختم و متوجه زن ستیزی عمیق و عقب ماندگی فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی آن شدم. بیخود نیست که خمینی از آل احمد تجلیل می‌کرد.

**آزادی زن:** در پایان بیانیه این مساله عنوان شده است که آزادی و برابری کامل و بدون قید و شرط زنان در سوسیالیسم امکانپذیر است، آیا این موکول به محال کردن مساله نیست؟

**آذر ماجدی:** ما برای هر ذره تغییر و

در باره بیانیه سازمان آزادی زن

## جنبش آزادی زن، رژیم اسلامی دشمنان آشتی ناپذیر ...

حمایت کامل یا مخالفت و ضدیت با رژیم اسلامی اتخاذ کرده است. اگر بدوران ۵۷-۶۰ نگاه کنید عمده دختران و زنان وابسته به این تشکلات پوپولیست با حجاب در جامعه ظاهر می‌شدند. در مقرهای کومه له تا سال ۶۰-۶۱ بندرت زن پیدا می‌شد. پس از حملات وحشیانه رژیم به کمونیست ها زنان بیشتری به مناطق آزاد شده عقب نشینی کردند. در این شرایط زنان موظف به پوشیدن روسری بودند، اجازه نشست و برخاست با مردان پیشمرگ را بسختی می‌یافتند. مبارزه طولانی مارکسیسم انقلابی توانست حجاب را از مقرات کومه له بیرون باندازد و تسلیح زنان را امکانپذیر کند.

اما علیرغم تمام این مختصات عقب مانده سنتی - در پایه مذهبی، ما همواره در مقابل اتهامات و حملات راست و ارتجاعی که کوشیده است چپ را در عقب کشیده شدن موقعیت زنان مقصر جلوه دهد، بسختی مقاومت کرده ایم. در کنفرانس بنیاد پژوهش زنان در سال ۲۰۱۰ در پاریس تعدادی زنان سابق چپ اکنون فمینیست و دموکرات شده به چپ حمله کردند و این ما بودیم که شدیداً به این حمله و اتهام پاسخ گفتیم و از چپ دفاع کردیم که باعث قطبی شدن کامل کنفرانس شد.

**آزادی زن:** شرق زدگی چیست؟ این ترم از کجا آمده است؟

**آذر ماجدی:** شرق زدگی را منصور حکمت ابداع کرد و برای اولین بار مورد استفاده قرار داد. بنظر من شرق زدگی ترمی است در تقابل با "غرب زدگی" جلال آل احمد. در دهه ۴۰ شمسی، اتفاقاً زمانی که در غرب جنبش آزادی زن شکل گرفته و سریعاً توده ای و گسترده می‌شد، در زمانیکه نسل جوان غرب در مقابل فرهنگ محافظه کار حاکم قد

**جنبش آزادی زن لزوماً یک جنبش زنانه نیست. از قضا گستردگی و عمق این جنبش بیانگر آنست که مردان بسیاری خود را به آن متعلق می‌دانند؛ بخش وسیعی از نسل جوان بالقوه یا بالفعل به آن متعلق است؛ این جنبش جریان‌ات راست و ارتجاعی را تحت فشار قرار داده است و آنها را به قبول یا تظاهر به قبول برخی تمایلات اجتماعی از جمله سکولاریسم، حال بشکلی رقیق و آبکی، وادار کرده است.**

**تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!**





## درباره نقش و موقعیت جنبش آزادی زن در ایران

سنتیز، ضد مدرنیست، شرق زده، گذشته پرست و اسلام زده حاکم بر بخش اعظم جامعه هنری، روشنفکری و چپ ضد آمریکایی که محیط اولیه اعتراض جوانان و دانشجویان را شکل می داد، نه تنها بروز خواست آزادی زن را سد می کرد، بلکه حتی عملاً زنان را تسلیم جنبش اسلامی نمود. علیرغم شرکت فعال و وسیع زنان در جنبش انقلابی ضد رژیم سلطنت، بدلیل این شرایط، زنان عموماً داوطلبانه حجاب را بعنوان یک سمبل وحدت طلبی بر سر کردند و این حرکت ارتجاعی بعنوان یک فداکاری "انقلابی" تقدیس شد. عملاً بر زمینه چنین شرایطی بود که دولتهای غربی موفق شدند از طریق مانیپولاسیون سیاسی، خمینی و جنبش اسلامی را بر جنبش انقلابی مردم تحمیل کنند.

اکنون شرایط کاملاً متفاوت است. بیش از یک دهه است که جنبش آزادی زن وسیعاً در جامعه فعال است و بطور روزافزونی گسترده تر و توده ای تر می شود. نفوذ و گستردگی جنبش آزادی زن عملاً موجد شرایطی است که موقعیت دوفاکتوری زنان با موقعیت حقوقی و رسمی آنها در تناقض آشکار است. لذا مسأله زن به یک معضل لاینحل و اساسی رژیم اسلامی و اپوزیسیون ملی اسلامی بدل شده است. از همان روز اول اسلامیت ها و در راس آن خمینی مجبور شدند زنان را بعنوان یک نیروی مهم مخالف جدی بگیرند. از همان ابتدا برای رژیم اسلامی سرکوب زنان، یک رکن اساسی سرکوب انقلاب ۵۷ محسوب می شد. دو قطبی رژیم اسلامی و آزادی زن برای مردم ایران و تمام کسانی که وقایع ایران را دنبال میکنند، یک معادله تعیین کننده است. آزادی زن و برابری زن و مرد در صدر خواستهای جنبش آزادیخواهانه مردم علیه رژیم اسلامی است.

اولین رویارویی حکومت اسلامی با زنان با فرمان حجاب خمینی آغاز شد. اولین اعتراض توده ای و رادیکال علیه رژیم اسلامی توسط زنان معترض به حجاب اسلامی در ۸ مارس ۱۳۵۷ شکل گرفت و بمدت یک هفته بطول انجامید که در نتیجه آن رژیم اسلامی و خمینی ناگزیر به عقب نشینی شدند. حجاب اسلامی نه تنها سمبل بردگی و بیحقوقی زن، بلکه یک ابزار مهم به انقیاد کشیدن زنان است. بعلاوه، حجاب به بیرق جنبش ارتجاعی و ضد زن اسلام سیاسی بدل شده است. اسلامیت ها هر کجا که قدرت گرفته اند بر سر زنان و جامعه حجاب کشیده اند. آپارتاید جنسی یک نظام بسیار عقب مانده و تبعیض گرا است. الغای آپارتاید جنسی باید در راس مطالبات هر انسان آزادیخواه و انسان دوست قرار گیرد. دنیای آزادیخواه و متمدن یک بار آپارتاید نژادی را به زانو درآورد، اکنون زمان آن رسیده است که آپارتاید جنسی را نیز سرنگون کند. این رسالت بعهدہ جنبش آزادی

جنبش آزادی زن یکی از مهمترین جنبش های اجتماعی جامعه ایران است که بنا به ماهیت زن سنتیز جمهوری اسلامی مستقیماً ضد رژیم اسلامی حاکم است. قدرتگیری رژیم اسلامی با اعتراض توده ای زنان همزمان شد و طی سی و چند سال گذشته مقاومت و اعتراض زنان چه فردی و چه جمعی، چه در شکل تدافعی و چه تعرضی ادامه یافته است. این جنبش نه میخواهد و نه میتواند با این رژیم و ایدئولوژی و کارکرد زن سنتیز آن سر سازش و آشتی داشته باشد. سی سال سرکوب و بیحقوقی، سی سال تحمیل یک نظام آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی، سی سال مقاومت و کشمکش دائم میان جنبش آزادی زن و رژیم اسلامی، به این جنبش جایگاه ویژه ای در جامعه ایران داده است. مبارزه برای آزادی زن یکی از سنگرهای مهم مبارزه علیه رژیم اسلامی است. جنبش آزادی زن و رژیم اسلامی به هیچ وجه با هم سازگاری ندارند.

مسأله زن یکی از مطرحترین مسائل اجتماعی جامعه ایران و امر برابری زن و مرد یک گرایش قدرتمند اجتماعی است. جنبش های اجتماعی ضد حکومت در جامعه بسیار فعال هستند. جنبش آزادی زن یکی از فعالترین آنها است و به عنوان یک جنبش اجتماعی قائم به ذات، معطوف به تحقق برابری کامل زن و مرد در جامعه ایران است. جنبش آزادی زن با دو جنبش خلاصی فرهنگی نسل جوان و جنبش سکولاریستی علیه حکومت اسلامی پیوند تنگاتنگی دارد. جنبش خلاصی فرهنگی یک جنبش مدرن، ضد شرق زدگی و ضد اسلامی است که بر مبنای تضاد عمیق نسل جوان با رژیم اسلامی شکل گرفته است؛ این جنبش قوی، فعال و همیشه در حال جنگ سنگر به سنگر با رژیم اسلامی است. جنبش سکولاریستی و ضد مذهب یک جنبش روشنگرانه سیاسی - فرهنگی اجتماعی مهم دیگر در ایران است. این سه جنبش در پیوندی تنگاتنگ با یکدیگر مطالبات ضدیت با حجاب اسلامی و خواست حقوقی لغو حجاب اجباری، انحلال آپارتاید جنسی، آزادی جنسی، جدایی مذهب از دولت و حاشیه ای شدن کامل مذهب در جامعه را در صدر اهداف خود قرار داده اند.

این شرایط به مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رنگ و بویی متفاوت می بخشد. حضور فعال و وسیع زنان و جنبش آزادی زن در صحنه اعتراض توده ای علیه رژیم اسلامی به این مبارزه یک خصلت عمیقاً ضد مردسالارانه و "زنانه" میدهد. این تفاوت در مقایسه با جنبش انقلابی مردم علیه رژیم سلطنت آشکار می شود. در سال ۵۷-۱۳۵۶ اولاً، جنبش حقوق زن تازه در حال شکل گیری بود؛ ثانیاً، سنت منحن عقب مانده، زن

بیانیه سازمان آزادی زن

## درباره نقش و موقعیت جنبش آزادی زن در ایران ...

چه بیشتر جنبش اسلامیستی در منطقه شده است. اما مشخصاً در دو کشور مصر و تونس جنبش انقلابی و آزادیخواهانه مردم، با نقش فعال و موثر زنان و جنبش حقوق زن علیه جنبش اسلامی بپا خاسته است. تاریخ بقدرت رسیدن اسلامیت‌ها در ایران و رویدادهای پس از آن در شکل‌گیری جنبش ضد اسلامی در منطقه نقش بسیار مهمی داشته است. سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی در ایران و پیروزی جنبش آزادی زن نه تنها موقعیت زنان در ایران را زیر و رو خواهد کرد، بلکه بر موقعیت جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در منطقه و بویژه بر موقعیت زنان تأثیراتی بسیار عمیق و گسترده خواهد داشت. بعلاوه، پیروزی جنبش آزادی زن علیه رژیم اسلامی در ایران را می‌توان با یک لحظه تاریخی مهم، انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، مشابه قرار داد. پیروزی این جنبش علیه رژیم اسلامی همان تأثیری را بر اسلام و جنبش اسلامی خواهد داشت که انقلاب کبیر فرانسه بر کلیسا و مسیحیت داشت.

جنبش آزادی زن یک جنبش قائم بذات آزادیخواه و برابری طلب است. پیروزی جنبش آزادی زن در گرو تشکیل یابی حول خواست آزادی و برابری است و امحای ستمکشی زن و دستیابی به آزادی و برابری بی قید و شرط و کامل فقط در یک جامعه آزاد، برابر و مرفه، جامعه ای عاری از طبقات و استثمار و ستم طبقاتی، جامعه سوسیالیستی، امکانپذیر است.

سازمان آزادی زن فعالین رادیکال، آزادیخواه و انقلابی جنبش آزادی زن را فرا می‌خواند تا به سازمان آزادی زن بپیوندند، تا دست در دست هم برای آزادی زن و برابری زن و مرد و خلاصی از رژیم زن ستیز اسلامی مبارزه کنیم. \*

لازم موفقیت جنبش آزادی زن و جنبش مردم برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی است. باید بکوشیم تا سازمان آزادی زن وسیعاً در جنبش آزادی زن توده ای شود و فعالین و سخنگویان رادیکال و آزادیخواه این جنبش به سازمان آزادی زن بپیوندند.

تقابل جنبش آزادی زن و اسلام سیاسی یک مساله منطقه ای است. نقش جنبش آزادی زن در منطقه اسلام زده، خاورمیانه و شمال آفریقا انکار ناپذیر است. قدرت یابی اسلام سیاسی در منطقه طی سی سال اخیر و بویژه در دهه اخیر، موقعیت زنان را در کل خاورمیانه و آفریقای شمالی بسیار به عقب کشانده است. سنت های اسلامی بسیار تقویت شده اند. در جوامعی که اسلامیت ها قدرت یافته اند، حجاب اسلامی به زنان تحمیل شده است. آپارتاید جنسی در بسیاری از کشورهای منطقه تحکیم و تقویت شده است. در متن چنین شرایطی خیزش های توده ای علیه حکومت های حاکم طی دو سال اخیر در منطقه شکل گرفته است. در نتیجه شرایط سیاسی متلاطم و سرنگونی سران ۴ حکومت منطقه، اسلامیت ها به جلوی صحنه آمده اند. دخالت و مانیپولاسیون سیاسی و کمک های مالی و نظامی دولتهای ارتجاعی منطقه، ترکیه، جامعه عرب، عربستان سعودی و قطر و نیز دولتهای غربی بسرکردگی آمریکا موجب تقویت هر

زن و مردم آزادیخواه ایران است. جنبش آزادی زن از بدو بقدرت رسیدن رژیم اسلامی مبارزه علیه این دو رکن اساسی سیاسی-ایدئولوژیک رژیم اسلامی را آغاز کرد.

برقراری یک نظام سکولار که بمعنای لغو تمام قوانین مذهبی، جدایی مذهب از دولت، آموزش و پرورش و هویت فردی است، یک پیش شرط سیاسی دستیابی به جامعه ای آزاد و برابر است. بعلاوه، مبارزه فعال با خرافات و سنن مذهبی و حاشیه ای کردن مذهب، یکی دیگر از اقدامات مهم جنبش آزادیخواه و برابری طلب است. گسترش و توده ای شدن خواست سکولاریسم در جامعه، بخشی از اصلاح طلبان حکومتی را نیز به موضع تظاهر به دفاع از سکولاریسم سوق داده است. این جریان مرتجع تحت فشار مردم و جنبش های اجتماعی آزادی زن، خلاصی فرهنگی و ضد مذهبی مجبور به پذیرش یک فرم رفیق شده از سکولاریسم شده است تا بدین وسیله مانع رفت و روب کامل اسلام از جامعه گردد.

در شرایط حاضر بعلت وجود اختناق وسیع، سازمان های آزادیخواه و رادیکال زنان امکان فعالیت علنی در ایران ندارند. تنها زنان اصلاح طلب ملی - اسلامی از امکان یک فعالیت نسبی برخوردارند. با استفاده از این شرایط، رسانه های بین المللی این گرایش را بعنوان سخنگوی جنبش حقوق زن معرفی می کنند. باید این شرایط را تغییر داد. به درجه ای که تغییر توازن قوا امکان فعالیت را برای سازمان های رادیکال و آزادیخواه زنان امکان پذیر کند، موقعیت جنبش آزادی زن تغییر خواهد کرد. باید بکوشیم تا رهبری جریانات آزادیخواه، برابری طلب و ماکزیمالیست را بر جنبش حقوق زن تامین کنیم. این یکی از شروط

**پیروزی جنبش آزادی زن در گرو تشکیل یابی حول خواست آزادی و برابری است و امحای ستمکشی زن و دستیابی به آزادی و برابری بی قید و شرط و کامل فقط در یک جامعه آزاد، برابر و مرفه، جامعه ای عاری از طبقات و استثمار و ستم طبقاتی، جامعه سوسیالیستی، امکانپذیر است.**

**برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده!**



## آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

[www.azadizan.net](http://www.azadizan.net)

سردبیر: آذر ماجدی

[majedi.azar@gmail.com](mailto:majedi.azar@gmail.com)

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

سایتهای سازمان آزادی زن

[www.azadizan.net](http://www.azadizan.net)

[www.womensliberation.net](http://www.womensliberation.net)



## اعتصاب غذای ۲۰۰۰ زندانی در قزل حصار کرج

چیمه دارابی

روزی نیست که این رژیم جنایتکار و هار تعدادی را اسیر، شکنجه و اعدام نکند. مردم باید برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنند. رژیم اسلامی هر روز تعدادی از زندانیان سیاسی را بطور مخفیانه یا علنی اعدام می کند. جنایت رژیم اسلامی در ماههای اخیر وسعت بیشتری یافته است. فشار بر زندانیان سیاسی را افزایش داده و شکنجه بیشتر شده است. این شرایط باعث نگرانی عمیق است. زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام دست به اعتراض زده اند. اولین موج اعتراضی در زندان قزل حصار آغاز شده است. دو هزار زندانی سیاسی در این زندان دست به اعتصاب غذا زده اند.

حمله شدیدتر به زندانیان سیاسی در زمان مضحکه انتخاباتی با هدف سیاسی ارباب و سرکوب جامعه انجام می گیرد. رژیم اسلامی از اوجگیری و گسترش اعتراضات مردم در این شرایط هراسان است و پیشاپیش دارد به استقبال آن می رود.

باید به این رژیم جنایتکار نشان دهیم که رفتنی است و سرکوب و ارباب نمی تواند جاننش را نجات دهد. با صدای رسا، متحد و متشکل از زندانیان سیاسی حمایت کنیم و در این مضحکه انتخاباتی نه محکم خود را بعنوان رای واقعی مردم اعلام کنیم. \*

## حقوق زن و اسلام سیاسی

به زبان انگلیسی برای دومین بار منتشر شد!

برای دریافت کتاب یا کتابهای مورد نیاز معادل 150 کرون سوند، 15 یورو یا 20 دلار آمریکا "برای هر کتاب" به حساب زیر واریز نموده و مراتب را با پست الکترونیکی به ما اطلاع دهید. ما کتاب یا کتابهای درخواستی را در هر جای دنیا که باشید برایتان پست خواهیم کرد.

اگر پول از سوند ارسال شود:

نام بانک در سوند: PlusGiro شماره حساب در سوند: 442066-7

اگر پول از کشورهای دیگر ارسال شود:

نام یا BIC بانک: NDEASESS شماره حساب به فرم IBAN: SE55 9500 0099 6018 0442 0667

آدرس الکترونیکی: w/shahla.n@gmail.com

زنده باد آزادی زن!